

مصاحبه در REVLON

L'ORÉAL THROUGH GILLETTE · 17

خوانده بودم که Ronald Perelman بیش از یک بار کوشیده بود Gillette را به زور تصاحب کند، اما عمو Warren همیشه جلویش را گرفته بود، و Perelman، خشمگین‌تر از همیشه، سروصدا به راه انداخت اما همان کاری را ادامه داد که همیشه می‌کرد — کلافه کردن همه.

از مدیریت کل Revlon Italia تماسی گرفتم — مدیر فروششان می‌خواست مرا در کاتانیا ببیند. به پدرم گفتم و او گفت: «حتماً، باید بروی. فرصتی است تا بفهمی آیا بازار تو را تأیید می‌کند، و چه پیشنهاد می‌کنند و چه می‌دهند — اما اشتباه نکن که از سر احساس تصمیم بگیری. به خانه بیاورش، رویش فکر کن، و فقط بعد جواب بده.»

آن جمعه صبح درست سر وقت رسیدم، ساعت 10:30، هتل Jolly، کاتانیا. و وارد سرسرا که شدم — به چه کسی برمی‌خورم؟ مدیر منطقهٔ خودم در Gillette، که با دیدنم مات می‌ماند و می‌گوید: «تو اینجا چه غلطی می‌کنی — مگر نباید سر منطقهٔ فروشت باشی؟»

«یک روز مرخصی گرفته‌ام. در گزارش ماهانه‌ای که چهار هفته پیش برایت فرستادم می‌بینی‌اش، همین روز علامت خورده.»

«پس اینجا چه کار می‌کنی؟»

«خب، فقط آمده‌ام کسی را ببینم. می‌خواهد مرا بشناسد — امیدوارم دست‌کم زن باشد، که شوخی ادامه پیدا کند» — و، بی‌آنکه قصدش را داشته باشم، غریزه‌ام درست از آب درآمد، چون سر قرار مردی را دیدم، اما بسیار زنانه، بیش از اندازه.

مصاحبه هفت دقیقه طول کشید. همین که بلند شد تا بیاید کنارم بنشیند، حس کردم نیت‌ها تجاری نیست — اما من هرگز به دشمنی، حرفه‌ای یا شخصی، جا نداده بودم.

به خانه رفتم و پدرم را برای بستنی بیرون بردم، روی زیباترین کیلومتر ایتالیا — دست‌کم این را دربارهٔ کنار دریای ما در Reggio Calabria می‌گویند. پرسید چطور گذشت، و گفتم پیشنهاد ارزش هیچ توجهی را نداشت، و پس از تشکر، رد کردم و آمدم.

هرگز جزئیات و ریزه‌کاری‌ها را تعریف نکردم — این چیزی است که مادرم، Gillette، به من یاد داد. و او هرگز اشتباه نکرد.

Ferdinando